

Research Article

The Role of Ayatollāh Sistāni in Handling Conflicts between the Shi'ites and Sunnis in Iraq After 2003¹

Sayyid Ibrahim Rabbani¹, Ali Shirkhani², Davood Kiani³

1. PhD Student in International Relations, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran.

ibrahim.rabbani@gmail.com

2. Associate Professor, Department of Political Science, Qom Branch, Islamic Azad University;

Member of the Political Studies Association of the seminary, Qom, Iran (**Corresponding Author**).

shirkhani@qom-iau.ac.ir

3. Associate Professor, Department of Political Science, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom,

Iran. ddkiani@gmail.com

Abstract

The purpose of the present study is to how Ayatollāh Seyed Ali Sistāni as the supreme Shi'ite leader in Iraq handled conflicts between the Iraqi Shi'ites and Sunnis after 2003. The method of study is descriptive analysis and the results indicated that Ayatollāh Sistāni having understood the significance and sensitivity of the subject of Shi'ism and Sunnism and their conflicts from the beginning until today as well as the consequences of the disputes between these two great sects in Iraq and the region, called for the national and religious unity of the Iraqis. With regard to the accepted position of Ayatollāh Sistāni in Iraq, his penetration in his society, emphasis on national-religious integrity, and peaceful settlement of the disputes, we are witnessing a decrease in the bloodshed between the Shi'ites and Sunnis in Iraq. His unitarian dialogue has controlled ethnic-sectarian controversial grounds in Iraq.

Keywords: Iraq, Shi'ite, Sunni, Ayatollāh Sistāni, Religious Reference, Shi'ite Leader, Ethnic Conflicts, Sectarian Conflicts.

1. **The present study is extracted from:** the Ph.D. thesis entitled “**The Necessity of the Redefinition of the Approaches to the Maintenance of Peace and Security in the New Geopolitics of the Middle East from the View of Religious Instructions**” by Seyed Ibrāhim Rabbāni, supervised by Ali Shir Khāni, advised by Davoud Kiāni.

Received: 2020/04/13; **Accepted:** 2021/04/04

* Copyright © the authors

** <http://sm.psas.ir/>



نقش آیت‌الله سیستانی در مهار منازعه میان شیعیان و سنی‌های عراق پس از ۲۰۰۳ م.^۱

سید ابراهیم ربانی^۱، علی شیرخانی^۲، داود کیانی^۳

۱. دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران. ibrahim.rabbani@gmail.com
۲. دانشیار، گروه علوم سیاسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی؛ و عضو انجمن مطالعات سیاسی حوزه، قم، ایران (نویسنده مسئول). shirkhani@qom-iau.ac.ir
۳. دانشیار، گروه علوم سیاسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران. ddkiani@gmail.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر پاسخ به ای سوال اساسی است که چگونه آیت‌الله سیدعلی سیستانی، به عنوان بلندپایه‌ترین رهبر شیعی مستقر در عراق، منازعه میان شیعیان و سنیان عراق پس از سال ۲۰۰۳ م. را مهار کرد؟ روش پژوهش توصیفی-تحلیلی بوده و نتایج حاکی از آن است که آیت‌الله سیستانی با درک اهمیت و حساسیت موضوع شیعه و سنی و اختلاف‌های این دو گروه از آغاز تا امروز، و پیامدهای اختلاف این دو گروه بزرگ بر عراق و منطقه، وحدت ملی و دینی عراقی‌ها را خواستار شد. با توجه به جایگاه پذیرفته شده و نفوذ آیت‌الله سیستانی در جامعه عراق و تاکید ایشان بر وحدت‌گرایی ملی-دینی و حل مسالمت‌آمیز اختلاف‌ها، شاهد کاهش حجم منازعات خونین شیعه و سنی در عراق هستیم. گفتمان وحدت‌گرایی ایشان زمینه‌های منازعه‌آفرین قومی-فرقه‌ای را در عراق مهار کرده است.

واژه‌های کلیدی: عراق، شیعه، اهل سنت، آیت‌الله سیستانی، مرجعیت دینی، رهبر شیعی، منازعات قومی، منازعات فرقه‌ای.

۱. پژوهش حاضر برگرفته از: رساله دکتری با عنوان «ضرورت بازتعریف رویکردهای حفظ صلح و امنیت در ژئوپلیتیک نوین خاورمیانه از منظر آموزه‌های دینی»، دانشجو: سید ابراهیم ربانی، استاد راهنما: علی شیرخانی، استاد مشاور: داود کیانی، ارائه شده در دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم، سال ۱۳۹۸ است.
تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۱/۲۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۱/۱۵

۱. مقدمه

پیشینه شکل‌گیری تشیع و تسنن به روزگار صدر اسلام می‌رسد. شیعه‌ها و سنی‌ها هر یک با توجه به برداشت و فهم خود از سخنان پیامبر (ص) و رخدادهای صدر اسلام و روزگار پس از آن، آموزه‌های مذهبی خویش را سامان داده‌اند. از گذشته تا به امروز، این دو گروه با توجه به اختلاف ناشی از برداشت‌های مذهبی و نگاه‌هایی که به یکدیگر دارند، اکثراً در مناطق مختلف به گونه مسالمت‌آمیز در کنار یکدیگر زیسته‌اند. چنین زیست مسالمت‌آمیزی در میان شیعیان و سنیان عراق نیز از گذشته بوده است، اما شکل‌گیری عراق نوین در سال ۱۹۲۰ میلادی و روند تحولات پس از آن تا سال ۲۰۰۳ میلادی روابط شیعیان و سنیان را تحت تاثیر قرار داد. فروپاشی نظام صدام حسین در سال ۲۰۰۳ میلادی و دخالت‌های گوناگون پس از آن، دو قطبی شیعه- سنی و منازعه میان آنها را در عراق سبب شد. منازعه‌ای که شکل هویتی به خود گرفته است. بدیهی است با توجه به جایگاه هر دو گروه در عراق، چنین منازعه‌ای مسائل گوناگون عراق و منطقه را تحت تاثیر قرار خواهد داد.

فقه‌های شیعه در روزگاران گوناگون به شیوه‌های گوناگون تلاش در مهار بحران‌های زمانه خویش داشته‌اند. گوناگونی شیوه ورود آنها متأثر از زمان و مکان بحران‌ها بوده و پایه و اساس ورود فقها، رویکرد فقهی و مذهبی آنها است. آیت‌الله سیستانی چونان دیگر فقهای شیعه با آگاهی از منازعه پیش آمده و پیامدهای آن و کوتاه کردن دست‌های بدخواهان، از منظر فقهی به دنبال مهار منازعه شیعه و سنی در عراق بوده است. آیت‌الله سیستانی تلاش داشته از جایگاه مرجعیت دینی که نهادی مدنی و مورد احترام اکثریت مردم عراق است، مردم را تحت تاثیر قرار داده و منازعه میان شیعیان و سنیان را مهار کرده و یکپارچگی عراق را حفظ کند. بدین جهت، بررسی نحوه ورود آیت‌الله سیستانی به موضوع منازعه میان شیعیان و سنیان در عراق کنونی و مهار آن ضرورت دارد. بنابراین، پرسش بنیادین پژوهش حاضر این است که، چگونه آیت‌الله سید علی سیستانی، به عنوان بلندپایه‌ترین رهبر شیعی مستقر در عراق، منازعه میان شیعیان و سنیان عراق پس از سال ۲۰۰۳ میلادی را مهار کرد؟ پاسخ پژوهش به این پرسش چنین است که آیت‌الله سید علی سیستانی با آگاهی از زمینه‌های شکل‌گیری تنازع شیعی- سنی، تاکید بر آموزه‌های دینی مشترک میان مسلمانان، منازعه شیعیان و سنیان را مهار و از یکپارچگی عراق حمایت کرده است.

بررسی‌های حاکی از آن است که تاکنون پژوهشی به مسأله منازعه شیعه و سنی در عراق و نقش آیت‌الله سیستانی در مهار آن از منظر هویتی نپرداخته است.

روش پژوهش حاضر توصیفی-تحلیلی بوده و در ادامه نخست چارچوب نظری پژوهش ارائه شده و سپس ریشه‌های درونی منازعه‌آفرین میان شیعیان و سنیان در عراق بررسی می‌گردد. همچنین بررسی مولفه‌های مهارکننده منازعه از منظر آیت‌الله سیستانی از دیگر موضوعات مورد بحث در این پژوهش می‌باشد.

۲. چارچوب نظری

اندیشمندان گوناگون ممکن است از منظر نظریه‌های گوناگون بتوانند موضوع پژوهش حاضر را مورد بررسی و کنکاش قرار دهند، اما پژوهش حاضر بر این باور است که سازه‌انگاری، بهتر و دقیق‌تر زوایای موضوع را تبیین می‌کند.

از منظر سازه‌انگاری، هویت از ساختار، هنجار و ارزش انسانی شکل گرفته است. هویت مبتنی بر فکر، باور و تفسیر انسانی می‌باشد و بدین جهت هویت فرزند زمانه خویش است، برساخته اجتماعی بوده و از انسانی به انسان دیگر، از زمانی به زمان دیگر و از مکانی به مکان دیگر قابل تغییر است. تمایلات انگیزشی و رفتاری، برخاسته از هویت می‌باشد. قوام هویت‌ها به ساختارهای درونی و بیرونی بوده و هر هویت در بردارنده مفاهیم «خود» و «دیگری» است (ونت، ۱۳۸۴: ص ۲۲۹-۳۳۰). «خود» و «دیگری» در نخستین رویارویی با یکدیگر در وضعیت طبیعی با توانایی مادی مشخص، تنها بقاء را خواستار هستند. هیچ یک انگیزه برتری‌طلبی و پیشینه‌ای از یکدیگر ندارند. در این حالت تلقی دوست یا دشمن بودن دیگری معنایی ندارد. اساساً هویت فرزند تعامل «خود» و «دیگری» است (مرسر،^۱ ۱۹۹۵: ص ۳۲۴-۳۲۵). تعاملی که فکر، باور و تفسیر انسانی در آن نقش بسزایی دارد.

فهم و درک «خود» و «دیگری» از یکدیگر چهار مرحله دارد.

نخست، «خود» بر پایه تعریفی پیشینی از وضعیت خویش، با «دیگری» وارد تعامل می‌شود. در این مرحله «خود» به دنبال بیان نقش خویش به «دیگری» و جایگیری «دیگری» در نقش مورد انتظار خویش است.

دوم، «دیگری» مبتنی بر تفاسیر خویش، کنش «خود» را معنا می‌کند. گونه اطلاعات موجود در بیان «خود»، تعریفی که «دیگری» از خود و وضعیتی که در آن جای دارد، تفسیر و معنای «دیگری» را هدایت می‌کند.

سوم، «دیگری» بر پایه تعریف نوینی از وضعیت، به کنش دست می‌زند. چنین کنشی همانند کنش «خود» در مرحله نخست، به دنبال بیان نقش خویش به «خود» و جایگیری «خود» در نقش مورد انتظار خویش است.

چهارم، «خود»، «دیگری» را تفسیر و پاسخ خویش را آماده می‌کند (ونت، ۱۳۸۴: ص ۴۸۳). چنین فرایندی، هویت را شکل داده و از راه فرآیندهای تعاملی، هویت‌ها و انتظارات در مورد یکدیگر تثبیت شده و گسترش می‌یابند.

هویت «خود» و «دیگری» که متأثر از ساختار عینی و مادی جامعه، تاریخ، ساختار سیاسی، فناوری، اقتصاد و ساختارهای معرفتی همچون، دین، ایدئولوژی، فرهنگ، زبان، آرمان‌ها و سنت است، در تعامل با یکدیگر، سه وضعیت را در برابر یکدیگر می‌توانند داشته باشند: دشمنی (هابزی)، رقابتی (لاکی) و دوستی (کانتی).

هویت هابزی بر این پایه استوار است که بکش یا کشته شو. دیگری یقیناً دشمن است. در هویت هابزی، دیگری حق موجودیت برای رقیب خود قابل نیست؛ پس در اعمال خشونت علیه او کوتاهی نخواهد کرد و تا آنجا پیش می‌رود تا در آزادی یا زندگی رقیب تجدیدنظر کند. در این هویت هر بازیگری آگاه است که:

۱) بازیگر دیگر همانند خود اوست،

۲) بازیگر دیگر، دشمن اوست و زندگی و آزادی وی را تهدید می‌کند،

۳) با بازیگری که دشمن است، چگونه باید برخورد کرد.

هویت لاکی بر پایه رقابت به جای دشمنی استوار است. رقیبان نیز چونان دشمنان بر پایه بازنمایی‌هایی درباره خود و دیگری و در پیوند با خشونت شکل می‌گیرند. خشونت در چارچوب اصل زندگی کن و بگذار دیگران هم زندگی کنند، انجام می‌پذیرد. لذا، باید توجه داشت چنین بازنمایی‌هایی کم‌تر جنبه تهدیدآمیز دارند. رقیبان- برعکس دشمنان- از یکدیگر انتظار دارند چونان رفتار کنند که حاکمیت آنها یعنی زندگی و آزادیشان، به عنوان یک حق به رسمیت شناخته شوند. در نتیجه تلاش برای مغلوب کردن یا تحت سلطه درآوردن، به هیچ عنوان پذیرفته شده نیست. در این هویت، فردیت بازیگران محترم است و هویت جمعی آنها هنگامی آشکار می‌شود که بقایشان از سوی دیگری در معرض تهدید قرار بگیرد.

هویت کانتی بر شعار زندگی کن و بگذار زندگی کنند، استوار است. در این هویت، دوستی نقش

ساختاری دارد. گروه‌ها در این وضعیت، اختلافات میان خود را به شکل مسالمت‌آمیز حل و فصل می‌کنند (قاعده عدم خشونت) و در صورت تهدید ثالثی علیه امنیت هر یک، به صورت تیمی به مقابله با ثالث اقدام خواهند کرد (قاعده کمک متقابل). در این حالت تنش وجود ندارد تا منازعه‌ای رخ دهد. هر گروه، نیت و رفتار مسالمت‌آمیزی دارد و گروه دیگر برداشتی غیر از این، از نیت و رفتار گروه دیگر ندارد. هر گروه امنیت دیگری را امنیت خود می‌داند- زیرا میان خود و دیگری غیریتی نمی‌بیند- و تلاش می‌کند از امنیت خود و دیگری در برابر تهدیدهای ثالث دفاع کند. در این هویت احساس یگانگی میان دو گروه بالا است. پس اگر اختلافی میان دو گروه بوجود بیاید- به دلیل حس یگانگی موجود میان دو گروه- با شیوه‌های مسالمت‌آمیز حل و فصل می‌شود. این مسأله ناشی از بسط مرزهای ادراکی خود است، تا دیگری را نیز در بر بگیرد. در این حالت هویت مشترک و فرادستی بوجود می‌آید که خود و دیگری معنی ندارد، بلکه وفاداری به یکدیگر و احساس ما بودن... شکل می‌گیرد. این هویت مشترک، منافع جمعی می‌آفریند. هر یک از آن جهت که یکدیگر را دوست دارند، در راه یکدیگر جانبازی می‌کنند (ونت، ۱۳۸۴: ص ۳۸۰-۴۵۰).

به باور سازه‌انگاران، به خطر افتادن هویت خود از سوی دیگری، سرآغاز منازعه است، اما چنین منازعه‌ای می‌تواند دائمی نباشد. به سخن دیگر، گذر از هویت هابزی و دشمنی به هویت کانتی و دوستی امکان‌پذیر است، اما یقیناً سخت می‌باشد، زیرا کنشگران، سازندگان و پاسبانان ساختارهای اجتماعی هستند. نظام اجتماعی برای کنشگران به یک حقیقت عینی تبدیل شده است. گذار هویتی نه در اولین رویارویی، بلکه با یک اقدام آگاهانه، علمی، فکری و گذشت زمان و شکل‌گیری یک فرهنگ مشترک انجام می‌شود.

۳. ریشه‌های منازعه میان شیعیان و سنی‌ها در عراق

بدون آنکه بخواهیم به مباحث تاریخی و مذهبی اختلافی و نقشی که بیگانگان از گذشته تا امروز در تحریک دو گروه علیه یکدیگر داشته‌اند، بپردازیم، به این نکته باید اشاره کرد که زمینه‌های درونی منازعه هویتی میان شیعیان و سنیان عراق از سال ۱۹۲۰ میلادی تاکنون شکل گرفته‌اند. به سخن دیگر، عوامل گوناگون درهم تنیده تاریخی، سیاسی، دینی و... هویت شیعی و سنی مردم امروز عراق را شکل داده است. عراق کنونی در سال ۱۹۲۰ میلادی از ترکیب سرزمین‌های جدا شده از امپراتوری عثمانی تأسیس گردید و مرزهای مصنوعی، گرد آمدن گروه‌های اجتماعی غیرهمگون در یک جغرافیای ناهمگون را سبب شد. هر گروهی فارغ از چنین مرزبندی مصنوعی، تنها در پی سنت‌های مذهبی و هویت‌های قومی پیشین خویش

بود. سنت‌ها و هویت‌هایی که بر خود تاکید داشتند. سنت‌ها و هویت‌هایی که هیچ پیوند مشترک ملی میان مردم ایجاد نکردند (علوی، ۱۳۹۰: ص ۱۷۵). به نظر می‌رسد مهم‌ترین ویژگی‌های منازعه‌آفرین جامعه عراق عبارتند از ساختار قبیلگی و خشونت‌گرایی، یک‌سویه نگری و عرب‌گرایی. در ادامه به تشریح هر یک از ویژگی‌های جامعه عراق می‌پردازیم.

۳-۱. ساختار قبیلگی و خشونت‌گرایی

سرشت و بافت قبیله‌ای و عشیره‌ای از ویژگی‌های اصلی ساختار اجتماعی عراق می‌باشد. اساساً یکی از ویژگی‌های برجسته جامعه عراق، حضور و نقش عشیره و قبیله در زندگی اجتماعی و سیاسی از گذشته‌های دور تاکنون بوده است (مسجدی، ۱۳۸۷: ص ۲۱۶). در کشورهایی که شبکه گسترده‌ای از نظام قبیلگی و عشیرگی حاکم است، هر قبیله و عشیره‌ای در تلاش است با حمایت از حکومت مرکزی، قدرت خویش را نسبت به دیگری افزایش دهد. بدین جهت، نظام‌های سیاسی عراق همواره به حمایت‌های عشایر و قبایل پشت گرم بوده‌اند. باید توجه داشت که همه حاکمان عراق از سال ۱۹۲۰ تا ۲۰۰۳ میلادی سنی مذهب بودند و در نتیجه حمایت عشایر و قبایل سنی مذهب را داشتند. در همین حال، عشایر و قبایل شیعی مذهب به مراجع تقلید و رهبران مذهبی اتکاء داشتند (قزوینی‌حائری، ۱۳۸۶: ص ۴۰). این حمایت‌گری که مبتنی بر هم‌کیشی و هم‌آیینی است، از هر دو سو، پیش و پس از سال ۲۰۰۳ میلادی در رخداد‌های گوناگون سیاسی قابل مشاهده است. عشایر در انقلاب سال ۱۹۲۰ میلادی مشارکت داشتند و با آیت‌الله سید محسن حکیم در مقابل کودتای سال ۱۹۶۸ میلادی هم‌پیمان شدند، صدام حسین را در جهت شکست انتفاضه شعبانیه سال ۱۹۹۱ میلادی یاری کردند، از مرجعیت شیعه از آغاز فروپاشی نظام صدام حسین در سال ۲۰۰۳ میلادی تاکنون حمایت نموده و نیروهای بیداری را برای مبارزه با القاعده و تروریسم تأسیس کردند و... (محقق و عالی، ۱۳۸۸: ص ۷۶).

ساختار قبیلگی و عشیرگی، دربردارنده کنش‌های بدوی است. بیشتر مردم عراق- به جهت پیوند با عشیره و قبیله- کنش بدوی دارند. ورود چنین مردمی به ساختار قدرت مدرن، سبب ورود تجربیات و روحیات بدوی آنها همچون خشونت و استفاده از زور در دنیای سیاست شده و دورانی پر از خشونت و سرکوب را رقم زده است (مارتر، ۱۹۹۷م: ص ۱۴۵). خشونت‌گرایی نهادهای سیاسی، از یک‌سو فرهنگ خشونت در جامعه را پرورش می‌دهد و از سوی دیگر، مخالفان را وادار به واکنش مشابه می‌کند. بنابراین،

چرخه خشونت شکل می‌گیرد. خشونت به ویژه گونه فیزیکی آن، پیشینه‌ای بلند در عراق دارد (پورسعید، ۱۳۸۹: ص ۲۰۳-۲۰۴؛ رستمی و سفیدی، ۱۳۹۵: ص ۹۱-۹۶). اخراج از کشور، نسل‌کشی، کوچ اجباری و... نمونه‌های اندکی از خشونت فیزیکی موجود در جامعه عراق است. از سال ۱۹۲۰ تا ۲۰۰۳ میلادی قدرت کاملاً در اختیار سنی‌ها بود و از هیچ گونه خشونتی علیه همه گروه‌ها به ویژه شیعیان دریغ نکردند. اساساً کاربرد خشونت جهت حفظ قدرت، در سنی‌های عراق نهادینه شده است. این رفتار پس از سال ۲۰۰۳ میلادی کم و بیش ادامه داشت. به سخن دیگر، سنی‌ها که شاهد از دست رفتن کامل قدرت و پایان روزگار طلایی خود در سال ۲۰۰۳ میلادی بودند، حاشیه‌نشینی خویش را تاب نیاورده به اقدامات خشونت‌بار دست زدند. اوج خشونت‌گرایی آنها، تخریب حرم امامین عسکریین (ع) در سال ۲۰۰۶ میلادی بود. آنها برای توجیه خشونت‌گرایی خود علیه شیعیان، به آموزه‌های دینی و مذهبی خویش استناد می‌کنند (طبری، ۱۴۰۷ق: ج ۲، ص ۲۳۶؛ عفانی، بی‌تا: ج ۵، ص ۲۳۰-۲۳۴؛ حرانی، ۱۴۰۳ق: ص ۵۸۳-۵۸۴).

کنش بدوی در میان شیعیان نیز وجود دارد. شیعیان پیش از سال ۲۰۰۳ میلادی به جهت نداشتن قدرت، امکان ظهور و بروز کنش نداشتند، اما پس از سال ۲۰۰۳ میلادی که شیعیان در رأس حاکمیت جای گرفتند، دست به خشونت‌هایی زدند (سعیدی، ۲۰۱۴م: ص ۴۰؛ الجزیره، ۲۰۱۶م). به نظر می‌رسد این خشونت نتیجه سال‌ها فشار و خشونت‌گرایی دولت‌های سنی عراق علیه آنان است. آنها نیز برای توجیه خشونت‌گرایی خویش علیه سنی‌ها، به آموزه‌های دینی و مذهبی خویش استناد کردند (مفید، ۱۴۱۳ق: ص ۶؛ بحرانی، ۱۴۰۵ق: ج ۵، ص ۱۷۵-۱۸۷؛ ج ۱۰، ص ۳۶۰؛ غروی و موسوی خویی، ۱۴۳۰ق: ج ۳، ص ۸۰).

۲-۳. یک‌سو نگری

جامعه عراق، جامعه‌ای یک‌سو نگر است. نگاه یک‌سویه از سال ۱۹۲۰ تا ۲۰۰۳ میلادی محکوم به تقسیم جامعه عراق به دو بخش اقلیت کوچک حاکم و اکثریت بزرگ شد. یک‌سو نگری در همه بخش‌ها حتی قوانین و تفسیر آن قابل رویت است. سنی‌های حاکم، خود را امتداد جهان عرب در عراق دانسته و بر این باور بودند که حکومت کردن، حق مسلم آنها است. در نتیجه شیعیان و دیگر گروه‌ها را، غیر عرب و وابسته به بیرون از مرزها می‌دانستند. لذا، حق حاکمیت برای آنها قایل نبودند. چنین نگاهی باورهای

ویژه‌ای را در حاکم و محکوم پدید آورد (هاشمی، ۱۳۹۱: ص ۶۰-۶۲) و نگاه یک‌سویه، برتری‌طلبی و تمامیت‌خواهی در سنی‌ها و سرخوردگی در شیعیان را سبب شد. در اقلیت بودن سنی‌ها، آنها را متقاعد کرده که اتخاذ شعارها و گفتمان‌های اسلامی در اداره حکومت، در حالی که اکثریت جمعیت کشور را شیعیان تشکیل می‌دهند به ضرر آنها تمام خواهد شد. از این‌رو، تلاش کردند با تکیه بر شعارها و آرمان‌های ملی و قومی و گرایش به احزاب و جریان‌های سیاسی لائیک، سایر گروه‌های قومی و مذهبی را مدیریت و کنترل نمایند (زارعان، ۱۳۹۶: ص ۱۲۹). هم‌زمان سنی‌ها با آگاهی از دین اکثر مردم عراق، تلاش کردند برای گرایش‌های قوم‌گرایانه و برتری‌طلبانه خویش سرپوش مذهبی بیابند. لذا، بر این باورند که به جهت مذهبی در هر حال باید از حاکم سنی حمایت کرد (علوی، ۱۳۹۰: ص ۵۳؛ الکاتب و عماره، ۲۰۰۷م: ص ۱۳۳). با چنین نگاهی سنی‌ها در برابر یورش نظامی ائتلاف بین‌المللی به رهبری امریکا به عراق، مقاومت مسلحانه کردند (احمدی، ۱۳۸۴: ص ۶۶). نگاه یک‌سویه و برتری‌طلبانه، سنی‌ها را به حذف کامل شیعیان از نقش‌آفرینی در صحنه سیاسی - اجتماعی عراق و محرومیت آنان از اعلام هویت مذهبی کشاند. به باور آنها، در این حالت همزیستی مسالمت‌آمیز رخ خواهد داد (صبا، ۱۳۸۳: ص ۳؛ سعیدی، ۲۰۱۴م: ص ۴۰)!

حرکت سیاسی شیعیان در صد ساله اخیر عمدتاً حرکتی با رویکرد دینی بوده و رهبران مذهبی شیعه جهت کلی حرکت را تعیین می‌کرده‌اند. اما باید توجه داشت که شیعیان عراق نیز نگاه یک‌سویه داشته‌اند. شیعیان، عراق را سرزمین و کشور خود می‌دانسته‌اند و سنی‌زدایی را در ذهن داشته‌اند (فولر و فرانکه، ۱۳۸۴: ص ۲۳۲). در برابر سنی‌ها، شیعیان به جهت مذهبی باور به یاری هر حاکم شیعی دارند (نجفی، ۱۴۰۴ق: ج ۲۲، ص ۵۴). نگاه تک‌بُعدی شیعیان تا آنجا پیش رفت که پس از سال ۲۰۰۳ میلادی و کسب قدرت، خواستار خودمختاری استان‌های شیعه‌نشین شدند (ازغندی و کرمی، ۱۳۸۶: ص ۱۵-۱۸).

۳-۳. عرب‌گرایی

عرب‌گرایی، ویژگی دیگر جامعه عراق است. حاکمان سنی عراق همواره برای تحقیر کردن شیعیان، آنان را غیر عرب و وابسته به بیگانگان معرفی می‌کردند. بدیهی است چنین سخنی جهت حفظ قدرت و کوتاه کردن دست شیعیان از آن بود. سنی‌های عراق خود را امتداد حاکمان سنی مذهب عرب منطقه می‌دانستند. بدین جهت جایگیری در حکومت و قدرت را حق خویش می‌دانستند. باید توجه داشت که از گذشته،

رهبران سیاسی و مذهبی شیعیان عراق، خود را در چارچوب ملی‌گرایی عراق تعریف و از یکپارچگی عراق حمایت می‌کرده‌اند، اما پس از سال ۲۰۰۳ میلادی شاهد نگاه تحقیرآمیز شیعیان به سنی‌ها و انتساب آنها به بیگانگان هستیم. اساساً یک شیعه عراقی، خود را در درجه اول عرب و شهروند یک کشور عربی می‌داند. بدین جهت است که گاهی شاهد گرایش‌های ضد ایرانی در عراق هستیم (زارعان، ۱۳۹۶: ص ۱۳۹).

به نظر می‌رسد ساختار اجتماعی عراق، ساختاری نابالغ است. ساختاری که مسایل گوناگون درهم گره خورده‌اند. هر گروه، از هر راهی به دنبال کسب قدرت است و وقتی که قدرت را بدست می‌آورد، بدون توجه به دیگران، نگاه و تفسیر انحصاری خویش را اعمال می‌کند. در جامعه‌ای که ساختار قبیله‌ای و نابالغی حاکم است، چنین نگاهی منتهی به دیگرسازی درون جامعه و کشور شده و منتهی به کینه، دشمنی، سهم‌خواهی و... میان تک‌تک افراد درون جامعه می‌شود. وقتی که محکوم در جایگاه حاکم قرار بگیرد، به دنبال برآورده شدن خواسته‌های روزگار محکومیت خویش است. این واقعیت با فروپاشی نظام صدام حسین، خود را نمایان کرد. در چنین جامعه‌ای آموزه‌های مذهبی، سرپوشی بر خواسته‌ها و نیازها است. چنین ساختار اجتماعی، هویت شیعیان و سنیان در عراق را تشکیل داده است. سنی‌ها در سال ۲۰۰۳ میلادی جهت حفظ قدرت، از صدام حسین حمایت می‌کنند و به مبارزه مسلحانه با نظامیان ائتلاف بین‌المللی به رهبری امریکا می‌پردازند. شیعیان با باور به عدم همکاری با حاکم جائر سنی، در برابر یورش نظامی ائتلاف بین‌المللی به رهبری امریکا به عراق مقاومت نکرده، بلکه استقبال کردند (احمدی، ۱۳۸۴: ص ۶۶). منازعه شیعیان و سنی‌ها در نحوه تقسیم قدرت در نظام نوین سیاسی، عناصر و ساختار نیروهای نظامی و امنیتی، بازی‌های سیاسی، فعالیت‌های حزبی، دولت، مجلس، تفسیر قانون اساسی، بعضی‌زدایی و نوع تعامل با بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی به خوبی نمایان است. هر یک موضوعات گوناگون را یک‌سویه و به سود خود تفسیر می‌کند (حمود، ۲۰۱۷: ص ۲۴؛ ربیع، ۲۰۱۷: ص ۱۲۸؛ وردی، ۲۰۰۷: ص ۲۶۰-۲۶۱؛ رستمی و سفیدی، ۱۳۹۵: ص ۸۹؛ اسدی، ۱۳۹۱: ص ۲۴۲-۲۵۳؛ درخشه و ملکی، ۱۳۹۳: ص ۹۶-۹۷). به نظر می‌رسد چنین تفسیر و نگاهی به دنبال محدود و حذف کردن دیگری است.

به نظر می‌رسد سنی‌ها به دلیل سال‌ها حاکمیت بر عراق، تجربه مدیریتی بالایی دارند. پس از سال ۲۰۰۳ میلادی، این طبقه از یک‌سو به دلیل روند بعضی‌زدایی و حذف کارگزاران پیشین از ساختارهای موجود و از سوی دیگر به دلیل مقاومت آگاهانه‌ای که در آنها در مخالفت با ساختارها و روندهای سیاسی موجود شکل گرفت، به حاشیه رانده شده‌اند (افشون، ۱۳۹۵: ص ۵۰-۵۱). جایگزین آنها، شیعیانی با

سطح آگاهی و تجربه سیاسی پایین‌تری بودند. شیعیانی که به جهت زندگی در بیرون از عراق، با شرایط عینی کشور آشنایی نداشتند. پیش‌تر از مناصب مهم رانده شده بودند، لذا تجربه سیاسی، مدیریتی و اجرایی زیادی نداشتند. این فقدان تجربه در مدیریت کشور، در دوره کنونی بازتاب پیدا کرد و سطح بالایی از ناکارآمدی را به دنبال داشت. شیعیان نتوانستند نگاه تشکیلاتی مبتنی بر منافع شیعه و منافع ملی را در خود توسعه دهند و در کنش‌های سیاسی نیز به صورت بلوغ یافته عمل کنند (زارعان، ۱۳۹۶: ص ۱۴۱-۱۴۲). تقدم نگاه طایفه‌گرایانه در تصمیم‌گیری‌های شیعیان، منازعه آنان با سنی‌ها را شدت بخشیده است. ساختار اجتماعی نابالغ، خشونت‌گرایی، یک‌سویه نگری، برتری‌طلبی و تمامیت‌خواهی، تاکید بر منافع قومی و طایفه‌ای و... هویت شیعیان و سنی‌های عراق را شکل داده است. هویتی که برخاسته از نگاه و تفسیر شیعیان و سنی‌ها بوده و منازعه میان آنان را به دنبال داشته است. بدیهی است تداوم چنین هویتی به سود هیچ‌یک از شیعیان و سنی‌های عراق و منطقه نیست. به ویژه آنکه در عراق کنونی مذهب و آموزه‌های دینی نقش پررنگی دارند (لیپکا، ۲۰۱۴م). به نظر می‌رسد تغییر در چنین هویتی که مخلوطی از سیاست و دیانت است، تنها از سوی روحانیونی که در نزد مردم پذیرش دارند، امکان‌پذیر است. آمخت با ارائه نگاهی روزآمد، می‌توانند هویت پیروان خویش را تغییر داده و بر صلح و امنیت تاثیر بگذارند. آیت‌الله سیستانی از جمله این روحانیون است.

۴. باور به یکپارچگی عراق از منظر آیت‌الله سیستانی

آیت‌الله سید علی حسینی سیستانی، به عنوان بلندپایه‌ترین رهبر شیعی مستقر در عراق که اکثریت شیعیان-عراق- از ایشان پیروی می‌کنند (حمود، ۲۰۱۷م: ص ۲۰-۲۱) نقش بسیار پررنگی در کاهش منازعه میان شیعه و سنی در عراق داشته است. با نگاهی به بیانیه‌های صادر شده از سوی ایشان در مورد عراق، سه مولفه خودنمایی می‌کند: عراق برای عراقی‌ها، وحدت آیینی اکثر عراقی‌ها و حل و فصل مسالمت‌آمیز. مولفه نخست بر ملی‌گرایی تاکید دارد و دوم، بر مذهب، مولفه سوم راه برون‌رفت از اختلاف‌ها است. به نظر می‌رسد این مولفه‌ها می‌توانند نقش کلیدی در مهار منازعه میان شیعیان و سنی‌های عراق داشته باشند. در ادامه هر یک از این مولفه‌ها به تفصیل بررسی می‌شود.

۴-۱. عراق برای عراقی‌ها

پیش از سال ۲۰۰۳ میلادی، نگاه حاکمیت بر این استوار بود که عراق از آن عرب‌های سنی است و دیگران در قدرت جایی ندارند. پس از سال ۲۰۰۳ میلادی، آیت‌الله سیستانی با هوشیاری از موضوع و رخدادهای در حال شکل‌گیری - با وجود حمایت‌گری‌های مداخله‌جویانه کشورهای گوناگون از هم‌نژاد و کیش‌های خود در درون عراق - وابستگی پیروان همه قومیت‌ها و مذهب‌ها به کشورهای دیگر را نفی کرد و آنها را شهروندان عراق و دلبسته آن دانست و مشارکت همه آنها در عراق را خواستار شد.

با بررسی پیام‌های آیت‌الله سیستانی و سخنان نمایندگان ایشان از سال ۲۰۰۳ میلادی تاکنون، آنچه بیش از هر موضوع دیگری خودنمایی می‌کند، بحث وحدت و استقلال عراق - با حضور همه اقوام و مذاهب موجود در آن - است. به باور آیت‌الله سیستانی، عراق از آن همه عراقی‌ها و از آن اکثریت شیعه و اقلیت سنی است. از آن پیروان همه اقوام و مذاهب موجود در عراق است (خفاف، ۲۰۱۵م: ص ۴۵). با وجود آنکه آیت‌الله سیستانی فقیهی شیعه مذهب است، اما تاکنون سخن جانب‌دارانه‌ای از سوی ایشان در حمایت از شیعیان و برتری دادن آنها بر دیگر گروه‌های مذهبی و دینی عراق از منظر سیاسی و اجتماعی دیده نشده است (خفاف، ۲۰۱۵م: حدراوی، ۲۰۱۸م). بنابراین، اکثریت مذهبی بودن، مجوزی برای حکمرانی بر پایه مذهب اکثریت نیست. به باور آیت‌الله سیستانی، کسی نمی‌تواند از فضای موجود عراق، جهت جبران آنچه گروه دیگری در روزگار گذشته بر سر او آورده است، بهره‌برداری و استفاده کند (حسینی سیستانی، ۱۴۳۶ق/الف؛ خفاف، ۲۰۱۵م: ص ۵۲۵) و وحدت و یکپارچگی عراق را دگرگون سازد. آیت‌الله سیستانی تعرض به سنی‌ها به بهانه همکاری با نظام پیشین و افشای اسنادشان را جایز نمی‌داند. به باور وی در این موارد تنها مراجع قانونی صلاحیت‌دار می‌توانند ورود پیدا کنند (خفاف، ۲۰۱۵م: ص ۲۸-۲۹، ۱۵۶).

باید توجه داشت بحث اکثریت و اقلیت در اندیشه آیت‌الله سیستانی، تنها در ارتباط با نظام سیاسی و قوانین است. به دیگر سخن، ایشان بر این باور هستند که پس از آنکه نظام سیاسی عراق و قانون اساسی آن بر همگان عرضه شد، آنچه اکثریت ملت عراق انتخاب کنند، مورد پذیرش بوده و اقلیت باید به نظر اکثریت احترام بگذارد. در اینجا سخن از مذهب و یا قومیت نیست، بلکه سخن از همه ملت عراق - با هر سلیقه، مذهب و قومیت - است. اصولاً آیت‌الله سیستانی هرگونه نظام سیاسی برخاسته از پایگاه مذهبی و قومی را رد می‌کند و بر عراق یکپارچه براساس آموزه‌های اسلامی تأکید دارد (حمود، ۲۰۱۷م: ص ۲۱).

نگاه ملی‌گرایانه آیت‌الله سیستانی و تأکید بر مشارکت همه عراقی‌ها در بازسازی میهن خویش، ایشان را

به ملجاء و پناهگاه همه گروه‌ها تبدیل کرده است (حاجی یوسفی و عارف‌نژاد، ۱۳۹۰: ص ۵۶؛ معموری، ۱۳۹۵). باور ایشان به مشارکت همه گروه‌های ملی و مذهبی - اکثریت و اقلیت - در بازسازی عراق در سیره عملی و نشست و برخاست‌های ایشان نیز قابل رویت است. به باور ایشان بازسازی عراق در گرو همراهی محترمانه همه گروه‌ها است (خفاف، ۲۰۱۵م: ص ۵۶).

آیت‌الله سیستانی با هر بحثی که منتهی به تفرقه و گسست اجتماعی - سیاسی بشود و جامعه عراق را پاره‌پاره کند، مخالف است. وی بر این باور است که تصمیمات باید مبتنی بر مصالح و منافع عراق و همه مردم آن اخذ شود، نه مبتنی بر خواست‌های فرقه‌ای و قومی. در همین زمینه آیت‌الله سیستانی با فدرالیسم مذهبی مخالفت کرد و آن را موجب تفرقه شهروندان شمال، جنوب و مرکز عراق دانست. وی به وحدت کل عراق - به ویژه وحدت مناطق شیعه‌نشین و سنی‌نشین - باور دارد. به باور وی، هرگونه مدل سیاسی و اداری عراق باید به گونه‌ای سامان بیابد که منجر به توزیع عادلانه ثروت‌ها میان شهروندان عراق - بدون توجه به مذهب، قومیت و گرایش فکری - بشود (حاجی یوسفی و عارف‌نژاد، ۱۳۹۰: ص ۵۵-۵۷).

۴-۲. وحدت آیینی اکثر عراقی‌ها

پیش و پس از سال ۲۰۰۳ میلادی گروه‌ها و کشورهای گوناگونی هویت مذهبی هر گروه از مردم عراق، به ویژه شیعه و سنی را بیش از پیش پررنگ می‌کردند. آیت‌الله سیستانی با آگاهی از پیامدهای چنین تأکیدهایی و با آگاهی از دین اکثریت مردم عراق، در جهت پاک‌سازی نگاه دو قطبی شیعه و سنی در جامعه تلاش کرد. به باور آیت‌الله سیستانی اختلاف شیعه و سنی - که از گذشته‌های دور تاکنون پابرجا بوده است - و در حال حاضر رامحلی که همگان - شیعه و سنی - آن را بپذیرند و بدان راضی باشند، وجود ندارد. به باور آیت‌الله سیستانی بهتر است این بحث‌ها تنها در نشست‌های علمی مورد بحث و بررسی قرار بگیرند. آنچه باید بدان تأکید کرد امور مشترک و متفق علیه مسلمانان - شیعه و سنی - است. مسلمانان به خدای یکتا، رسالت پیامبر (ص) و قرآن کریم باور و ایمان دارند. منبع احکام شرعی را سنت نبوی می‌دانند. مودت اهل بیت (ع)، نماز، روزه، حج و... را پذیرفته‌اند (خفاف، ۲۰۱۵م: ص ۱۷۰-۱۷۲).

آیت‌الله سیستانی بر این باور است که هر کس شهادتین را بر زبان جاری کند، مسلمان است و مسلمان - حتی اگر گمراهی و بدعت‌گذاری داشته باشد - جان، مال و آبرویش محترم است (حسینی سیستانی، ۱۴۳۶ق/الف؛ ۱۴۳۱ق؛ خفاف، ۲۰۱۵م: ص ۱۷۰-۱۷۲). پس هرگونه رفتار بیرون از چارچوب

دینی و انسانی با مسلمان‌ها - شیعه یا سنی - حرام است (حسینی سیستانی، ۱۴۳۶ق/ب).

به باور آیت‌الله سیستانی، هر آنچه به مسلمان‌ها، اعم از شیعه و سنی - و حتی دیگر مذاهب و ادیان - تعلق دارد، محترم است و کسی اجازه تعرض به آن را ندارد (خفاف، ۲۰۱۵م: ص ۱۵). به باور وی، تبری از دشمنان پیامبر (ص) و خاندان او گرچه جایز است (حسینی سیستانی، ۲۰۰۰م: ص ۵۵۴) اما دشنام دادن به سنی‌ها و سب برخی از صحابه و زنان پیامبر (ص)، رفتاری به شدت ناپسند و مخالف سفارش‌های ائمه (ع) به شیعیان‌شان است (حسینی سیستانی، ۱۴۳۶ق/الف؛ ۲۰۱۳م). چنین رفتاری، نشانه تبری نبوده و حرام است. چنین رفتارهایی، تفرقه و آدم‌کشی میان مسلمانان را سبب می‌شود (دفتر آیت‌الله سیستانی در قم، ۱۳۹۰). به باور ایشان جایگاه امور مذهبی غیر مناقشه برانگیز، تنها در اماکن مذهبی هر گروه و آیینی است و برافراشتن آنها در نهادها و سازمان‌های دولتی عراق که متعلق به همه مردم عراق با قومیت‌ها و مذهب‌های گوناگونی هستند، مجاز نیست (معموری، ۱۳۹۵). به باور ایشان هر آنچه سبب تفرقه در جامعه عراق می‌شود، ناصواب است. با چنین نگاهی است که آیت‌الله سیستانی وقتی که حرم سکرین (ع) مورد تعدی و تجاوز قرار می‌گیرد، خویشنداری شیعیان را مطالبه می‌کند و دامن سنی‌ها را از رخدادها پاک می‌داند و ناهمراهی آنان با تروریست‌ها را خواهان است (خفاف، ۲۰۱۵م: ص ۱۵۸-۱۶۰).

آیت‌الله سیستانی بر این باور است که سنی‌ها جان شیعیان هستند و از بذل محبت به آنها کوتاهی نباید کرد. هر آسیبی به هر یک از گروه‌های قومی - مذهبی عراق وارد بشود، به شیعیان وارد شده است. اینجا دیگر شیعه و سنی معنی ندارد. شهروندی از شهروندان عراق آسیب دیده است. لذا، وظیفه انسانی و شرعی شهروندان دیگر است تا به یاری آسیب‌دیده بشتابند. با چنین نگاهی آیت‌الله سیستانی وجوب کفایی دفاع از عراق را صادر کرد. آیت‌الله سیستانی با مشاهده تسلط تروریست‌ها بر مناطق سنی‌نشین، جهت حمایت از سنی‌های تحت سلطه تروریست‌ها و حفظ وحدت و یکپارچگی عراق، وجوب کفایی دفاع از عراق را صادر کرد. وی همگان - شیعه و سنی - را به پیوستن به ارتش عراق - و نه تشکیل گروه‌های مسلح جدای از ارتش - جهت مبارزه با تروریست‌ها فراخواند (خفاف، ۲۰۱۵م: ص ۲۲۱-۲۲۶، ۵۱۶).

رویه عملی آیت‌الله سیستانی چنین است که بدون توجه به مذهب و قومیت گروه‌های گوناگون عراقی، از تعبیری یکسان در مورد آنها استفاده کرده و همگان را با تعبیری واحد نام می‌برد. چنان‌که کشته‌های آنها در جنگ را شهید نام می‌نهد (خفاف، ۲۰۱۵م: ص ۱۱۴-۱۱۶). پیاده‌سازی آموزه‌های اسلامی بدون توجه به خوانش شیعی یا سنی آن، از تاکید‌های ایشان است. لذا، بر این باور است آنچه که در قانون‌گذاری باید

رعایت شود، عدم مخالفت با دین اکثریت مردم عراق، یعنی اسلام می‌باشد. چنین اسلامی، اسلامی است که بر کلیات و امور متفق علیه شیعه و سنی استوار می‌باشد.

۴-۳. حل و فصل مسالمت‌آمیز

اختلاف دیدگاه و منافع، امری طبیعی در جامعه بشری است. مهم آن است که این اختلاف‌ها به گونه‌ای حل و فصل بشوند که هیچ یک از طرفین دعوا آسیب نبینند. جامعه عراق، هویتی موزاییکی دارد. در چنین جامعه‌ای اختلاف‌ها فراوان است. جامعه‌ای است که ساختار قبیلگی دارد و حل و فصل اختلاف‌ها در آن تنها با خشونت و طرد و حذف همراه است. آیت‌الله سیستانی با آگاهی از تاریخ سیاسی-اجتماعی عراق و هویت گروه‌های قومی-مذهبی مستقر در آن، بر این باور است که بازسازی عراق، در گروه همکاری گروه‌های قومی-مذهبی گوناگون درون کشور با یکدیگر است.

آیت‌الله سیستانی به زیست محترمانه مسالمت‌آمیز همه مردم در کنار یکدیگر و وجود اختلاف‌های گوناگون در جامعه عراق باور دارد، اما آگاه است که اختلاف‌های موجود با نزاع و جنگ، حل و فصل نمی‌شود، بلکه از نسلی به نسل دیگر منتقل خواهد شد. تداوم آن، مشکلات نوینی را بوجود خواهد آورد. وی حل و فصل اختلاف‌های هویتی در جامعه عراق را تنها مبتنی بر گفتگوی مسالمت‌آمیز دو طرف دعوا می‌داند. گفتگویی که بر پایه برابری و به دور از برتری‌طلبی مذهبی و قومی هر یک از طرفین باشد (حسینی سیستانی، ۱۴۳۶ق/الف؛ خفاف، ۲۰۱۵م: ص ۵۶، ۱۶۸-۱۶۹).

۵. نتیجه‌گیری

در عراق پس از سال ۲۰۰۳ میلادی، با توجه به حاکم شدن شیعیان - که پیش‌تر سرکوب شده بودند و اکثریت جمعیتی را دارا هستند - بر پست‌های کلیدی سیاسی نظام نوین، تنش و منازعه میان آنها و سنی‌ها رنگ و بویی دیگر گرفت. هر گروه به دنبال تأمین امنیت خود برخاسته و در این راه با هر شیوه‌ای درصدد حذف دیگری برآمدند. کوچ اجباری، کشتار و... نمونه‌هایی از شیوه‌های برخورد هر گروه با گروه دیگر است. آیت‌الله سیستانی با درک اهمیت و حساسیت موضوع شیعه و سنی و اختلاف‌های این دو گروه از آغاز تا امروز، و پیامدهای اختلاف این دو گروه بزرگ بر عراق و منطقه، وحدت ملی و دینی عراقی‌ها را خواستار شد. با توجه به جایگاه پذیرفته شده و نفوذ آیت‌الله سیستانی در جامعه عراق و تأکید ایشان بر وحدت‌گرایی ملی - دینی و حل مسالمت‌آمیز اختلاف‌ها، شاهد کاهش حجم منازعات خونین شیعه و سنی در عراق هستیم. گفتمان وحدت‌گرایی ایشان زمینه‌های منازعه‌آفرین قومی - فرقه‌ای را در عراق مهار کرده است.

منابع

۱. احمدی، کوروش (۱۳۸۴). *ضعف انسجام اجتماعی سیاسی و مشکلات ژئوپلیتیک در عراق*. در مجموعه مقالات عراق پس از سقوط بغداد. تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
۲. ازغندی، علیرضا؛ کرمی، صابر (۱۳۸۶). قوم‌گرایی و ایجاد نظام سیاسی دموکراتیک در عراق. *علوم سیاسی*، ۷: ص ۵-۲۶.
۳. اسدی، علی اکبر (۱۳۹۱). *روند دولت‌سازی در عراق جدید و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران*. تهران: موسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور.
۴. افشون، تورج (۱۳۹۵). بررسی وضعیت اهل سنت عراق پس از داعش. *مطالعات راهبردی جهان اسلام*، ۶۷: ص ۴۹-۷۴.
۵. بحرانی، یوسف بن احمد بن ابراهیم (۱۴۰۵ق). *الحدائق الناضره فی احکام العتره الطاهره*. ویراستار محمدتقی ایروانی، سید عبدالرزاق مقرر. قم: دفتر انتشارات اسلامی، وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه، ج ۵، ۱۰.
۶. پورسعید، فرزاد (۱۳۸۹). برآورد استراتژیک عراق آینده. *مطالعات راهبردی*، ۴۷: ص ۱۷۷-۲۱۱.
۷. الجزیره (۲۷ اکتبر ۲۰۱۶). *انتهاكات الحشد الشعبی المروعه بحق سنه العراق*. بازیابی در ۲۰۱۹/۲/۱۱. قابل دسترس در: <https://bit.ly/31BRlth>
۸. حاجی یوسفی، امیرمحمد؛ عارف‌نژاد، ابوالقاسم (۱۳۹۰). نشانه‌شناسی گفتمان در اسلام سیاسی و مردم‌سالار آیت‌الله سیستانی. *پژوهشنامه علوم سیاسی*، ۲۴: ص ۴۱-۷۴.
۹. حدراوی، مجید حمید عباس (۲۰۱۸م). دور المرجعیه الدینیّه فی الدفاع عن العراق؛ خطب الجمععه السیاسیه لعام ۲۰۱۴. *انمودجا قراءه تحلیلیه. العمید، (۱)۷*: ص ۲۳-۸۳.
۱۰. حرانی، احمد بن عبدالحلیم بن عبدالسلام بن تیمیه (۱۴۰۳ق). *الصارم المسلول علی شاتم الرسول*. ویراستار محمد محی‌الدین عبدالحمید. بی‌جا: الحرس الوطنی السعودی.
۱۱. حسینی سیستانی، سید علی (۲۰۰۰/۱/۱م). *استفتائات السید السیستانی*. بازیابی در ۲۰۱۹/۲/۱۹. قابل دسترس در: <https://is.gd/jBw0I3>
۱۲. حسینی سیستانی، سید علی (۱۰ اکتبر ۲۰۱۳م). *المرجع السیستانی: سب الصحابه خلاف ما امر به اهل‌البيت (ع)*. بازیابی در ۲۰۱۹/۲/۱۹. قابل دسترس در: <https://is.gd/riIJDv>
۱۳. حسینی سیستانی، سید علی (۱۲ رمضان ۱۴۳۱ق). *استفتاء حول قناه المستقله*. بازیابی در ۲۰۱۹/۲/۱۶. قابل دسترس در: <https://is.gd/p9kFRa>
۱۴. حسینی سیستانی، سید علی (۱۴۳۶ق/ب). *تحريم التعدی علی اموال المواطنين فی المناطق المحرره من الارهابیین*. بازیابی در ۲۰۱۹/۳/۶. قابل دسترس در: <https://is.gd/yIBRW5>
۱۵. حسینی سیستانی، سید علی (۲۲ ربیع‌الثانی ۱۴۳۶ق/الف). *نصائح و توجيهات للمقاتلین فی ساحات الجهاد*. بازیابی شده در ۲۰۱۹/۲/۱۶. قابل دسترس در: <https://is.gd/JErR5Q>

۱۶. حمود، علی طاهر (۲۰۱۷م). *الدوله والامه فی مخیار الانتلیجنسیا الشیعیه فی العراق*. اردن: موسسه فریدریش ایبرت.
۱۷. خفاف، حامد (۲۰۱۵م). *النصوص الصادره عن سماحه السید السیستانی فی المساله العراقیه*. بیروت: دار المورخ العربی، چاپ هفتم.
۱۸. درخشه، جلال؛ ملکی، محمدمهدی (۱۳۹۳). موانع داخلی دموکراتیزه شدن عراق پس از سقوط صدام. *جستارهای سیاسی معاصر*، ۱۱: ص ۹۵-۱۱۶.
۱۹. دفتر آیت‌الله سیستانی در قم (۱۳۹۰/۱۲/۱۷). *آیا لعنت بر خلفا گناه است؟*. بازیابی در ۲۰۱۹/۳/۹. قابل دسترس در: <https://is.gd/JGLNiA>
۲۰. ربیع، هادی مشعان (۲۰۱۷م). *ازمه العنف الطائفی فی العراق بعد الاحتلال الامریکی (۲۰۰۳)*. *تکریت للعلوم السیاسیه*، ۹: ص ۱۱۷-۱۳۳.
۲۱. رستمی، فرزاد؛ سفیدی، سیامک (۱۳۹۵). بررسی علل ظهور و استمرار معمای امنیت در عراق پس از صدام. *پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، ۱۸: ص ۸-۱۱۱.
۲۲. زارعان، احمد (۱۳۹۶). چالش‌های عراق جدید در حوزه فرهنگ سیاسی. *مطالعات راهبردی جهان اسلام*، ۶۹: ص ۱۱۵-۱۴۸.
۲۳. سعیدی، اسامه (۲۰۱۴م). *احزاب و جریان‌های سیاسی و دینی در استان الانبار*. قم: مرکز العراق للدراسات.
۲۴. صبا، هادی (۱۳۸۳). *طلوع خورشید. همشهری دیپلماتیک*، ۳۴.
۲۵. طبری، محمد (۱۴۰۷ق). *تاریخ الطبری: تاریخ الامم والملوک*. بیروت: دارالکتب العلمیه، ج ۲.
۲۶. عفانی، سید بن حسین (بی‌تا). *زهر البساتین من مواقف العلماء والربانیین*. قاهره: دارالعفانی، ج ۵.
۲۷. علوی، حسن (۱۳۹۰). *شیعه و حکومت در عراق*. ترجمه محمد نبی ابراهیمی. تهران: سوره مهر.
۲۸. غروی، علی؛ موسوی خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۳۰ق). *التنقیح فی شرح العروه الوثقی*. قم: موسسه احیاء آثار الامام الخوئی، چاپ چهارم، ج ۳.
۲۹. فولر، گراهام ای؛ فرانکه، رند رحیم (۱۳۸۴). *شیعیان عرب؛ مسلمانان فراموش شده*. خدیجه تبریزی. قم: شیعه‌شناسی.
۳۰. قزوینی‌حائری، یاسر (۱۳۸۶). *تحولات عراق از سقوط صدام تا تصویب قانون اساسی، ریشه‌ها و تحولات*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تهران.
۳۱. کاتب، احمد؛ عماره، محمد (۲۰۰۷م). *السنه و الشیعہ: وحده الدین، خلاف السیاسه و التاریخ*. بیروت: الدار العربیه للعلوم.
۳۲. مارتر، هنری (۱۹۹۷م). *سایکولوجیه القبائل البدویه العراقیه*. بیروت: دارالنهاری.
۳۳. محقق، سید عدنان؛ عالی، زهرا (۱۳۸۸). جایگاه و نقش عشایر در تحولات سیاسی عراق. *مطالعات خاورمیانه*، ۲: ص ۷۵-۱۰۳.
۳۴. مسجدی، ایرج (۱۳۸۷). *بررسی تجربه دولت - ملت‌سازی در عراق*. در: مجموعه مقالات همایش عراق نوین و تحولات

- خاورمیانه. تهران: موسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور.
۳۵. معموری، علی (۱۰ خرداد ۱۳۹۵). نقش آیت‌الله سیستانی در افزایش مسئولیت اخلاقی در جنگ با داعش. بازیابی در <https://is.gd/TVza0n>، بی بی سی فارسی: ۲۰۱۹/۳/۹
۳۶. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق). الاختصاص. علی‌اکبر غفاری، محمود محرمی زرنندی. قم: المؤتمر العالمي لالفیه الشیخ المفید.
۳۷. نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴ق). جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام. ویراستار عباس قوچانی، علی آخوندی. بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ هفتم، ج ۲۲.
۳۸. هاشمی، محمدصادق (۱۳۹۱). اصول و تحولات فرهنگ سیاسی در عراق. ابراهیمی نداف‌زاده. قم: مرکز العراق للدراسات.
۳۹. وردی، علی (۲۰۰۷م). وعاظ السلاطین. قم: دارالمجتبی للمطبوعات.
۴۰. ونت، الکساندر (۱۳۸۴). نظریه اجتماعی سیاست بین‌الملل. ترجمه حمیرا مشیرزاده. تهران: وزارت امور خارجه.
41. Lipka, M. (2014). **The Sunni-Shia divide: Where they live, what they believe and how they view each other**. Retrieved 2019/12/02, from: <https://is.gd/K0Nt8K>
42. Mercer, J. (1995). Anarchy and Identity. *International Organization*, 49(2): P.229-252.

استناد به این مقاله

DOI: 10.22034/sm.2021.121766.1511

ربانی، سید ابراهیم؛ شیرخانی، علی؛ کیانی، داود (۱۴۰۰). نقش آیت‌الله سیستانی در مهار منازعه میان شیعیان و سنی‌های عراق پس از ۲۰۰۳م. *سیاست متعالیه*، ۹(۳۳): ص ۲۶۳-۲۸۰.